

۶۵. یگانه منبع رستگاری

بین جوانی و تازه عروسش اختلاف پیدا شده بود و باهم نمی ساختند. بالاخره طفلی خانه شان را زینت بخشید و تا اندازه ای در روابطشان بهبودی حاصل شد. ولی طولی نکشید که مشاجره از سرگرفته شد. در نهایت عصبانیت جوان زن و فرزندش را ترک کرده از خانه بیرون رفت و از او خبری به همسرش نرسید. هیچ کس از نام و نشانش اطلاعی نداشت. در غیاب او طفلش مریض شد و مرد. بالاخره توسط آشنائی خبر درگذشت بچه اش را شنید. وی به خانه برگشت و هنگامی که بمزار کوچک فرزندش نزدیک می شد متوجه همسرش گردید که در مقابل او با دل شکسته گریه میکند. جوان می خواست در همان وقت برگردد و فرار کند ولی قوه نامرئی او را جذب میکرد. چند لحظه ساکت ماند. کم کم دستی از روی قبر کوچک دراز شده دست دیگری را گرفت. در آن لحظه محبت بی سابقه ای دل دو زوج را بهم دوخت. مرگ یکی، سبب مصالحه دیگری گردید. بهمین منوال، گناه انسان را از خدا جدا کرده است ولی شکر خدایرا که انسان بیچاره ای را بقدری محبت نمود که جهت ما فدیہ شد و سبب آشتی ما گردید.

توجه کنید که مرد نسبت به خداوند تخلف ورزید. انسان بود که خواست از خداوند پنهان و جدا شود. فوراً خداوند در جستجوی آدم در آمد. مکتوب است که «ای مردم فکر نکنید که خداوند ضعیف شده و دیگر نمی تواند شما را نجات دهد. گوش او سنگین نیست، او دعاهاى شما را می شنود. اما گناهان شما باعث شده او

با شما قطع رابطه کند و دعا‌های شما را جواب ندهد.» (اشعیا ۵۹:۲۱). انسان گناه کرد، نه خداوند. انسان عامل جدائی شد، نه خداوند.

زوج مقصر در روز خطایشان پی بردند که چطور و برای چه قربانی کنند. از پوست قربانی برای خداوند اول لباس تهیه کرد تا بر آدم و حوا پوشانیده شود. ایشان اولین بار بود که مرگ حیوانی را مشاهده می کردند. حیوان بی تقصیر لوزانی را دیدند که خورش جهت آنان بر زمین ریخته می شود. آیا بار دیگر زنده خواهد شد؟ دیگر در چمنزارها جست و خیز نخواهد کرد؟ مقصود از ذبح آن حیوان زبان بسته تهیه پوشاک نبود بلکه سمبلی بود برای تمام نسل انسان. خداوند قائم مقامی یا نایی جهت بازخرید بشر گناهکار یا به عبارت دیگر ذبیحۀ عظیمی که نشانه ای از حضرت عیسی مسیح است تهیه کرد.

داستان هابیل و قابیل را بخاطر آورید که هر دو چیزی برای قربانی به حضور خداوند آوردند. هابیل بره ای از گله خود و قابیل از محصولات زمین آورد. اولی پذیرفته شد و اما هدیه قابیل رد گردید. اولی با عملش نشان داد که ایمان به آمدن آن کسی داشت که باید خورش ریخته شود و فدیۀ گناه شود. ریختن خون یعنی از دست دادن زندگی. خدا گفته بود که مزد گناه موت است. ولی یکی حاضر بود جان خودش را در عوض جان گناهکاری که توبه و ترک گناه کند از دست بدهد. محصولات زمین هر گز سمبل یا نشان آن قائم مقام را نبود زیرا که خون ریزی در آن وجود نداشت. قابیل از که غضبناک شد؟ از خودش؟ خیر، بلکه از

خداوند و برادر با ایمانش.

مردم به مرور زمان و ازدیاد نسل، وعده خداوند را که نجات دهنده ای خواهد فرستاد، فراموش کردند. قربانی و اهمیت و معنی آن را از یاد بردند. قرن‌ها بعد خداوند موسی را به بالای کوه سینا احضار نموده، مدت چهل شبانه روز ویرا فرمان می داد. شخص توبه کار بره بی عیب ذبح میکرد. قبل از کشتن بره شخص توبه کار دستش را بر سر بره گذارده گناهی را که مرتکب شده بود اعتراف مینمود و بطور معنوی گنااهش را به بره منتقل میکرد. حال بره باصطلاح گناهکار بدست خود شخص قربانی میشد. کاهن قسمتی از خون ریخته شده را روی قربانگاه می پاشید و خداوند ایمان توبه کار را نسبت به آمدن قربانی عظیم و اصلی قبول کرده او را می بخشید. بره بجای گناهکار جان میسپرد. بره نمونه ای بود از ذبیحه عظیمی که بعوض گناهکار باید کشته می شد.

این تشریفات قربانی روزانه و بی وقفه، سال بسال و قرن بقرن ادامه داشت. مؤمنین هر دوره عهد و پیمان خود را با دهنده حیات و آمرزنده خطا تجدید میکردند و روزانه از فیض و فضل پروردگار برخوردار می شدند. با تکرار رسوم نامبرده ایمان خود را بآمدن آینده ای ثابت می کردند. یعنی نسبت به آمدن آن که قرار بود بیاید و ذبیحه اصلی بشود، تکمیل وعده ای که به آدم و حوا در روز گناهان داده شد. حیوان چهارپا هیچ وقت کفاره گناهان بشر را نمیتوانست بدهد. با این وجود اکثر مردم اصل معنی و سبب قربانی را فراموش کردند و تشریفات

نامبرده را برسوم خشک و خالی و بی معنی تبدیل کردند. بجائی رسیدند که خیال می کردند با سر بریدن بره کوچک می توانند خود را از گناه دزدی هزار درهم را تبرئه کنند و رسوم قربانیها بافتضاح و رسوائی تبدیل شد. بت پرستان قربانی حیوانات و بعداً قربانی اولادشان را چون رشوه برای تسکین غضب خدایان خود پنداشته، فجیعترین اعمال را مرتکب می شدند.

در یک چنین زمانی بود که روزی بیرون دروازه شهر اورشلیم واقعه عجیبی رخ داد. طی آن تمام این تشریفات گذرانیدن قربانیها یکباره متوقف شد. در برنامه بعدی آن واقعه را توضیح می‌دهیم.

